

برای نخستین بار شاهنامه فردوسی از فارسی به فنلاندی برگردانده شد که این اثر ارزشمند در نمایشگاه بین‌المللی کتاب به مخاطبان ارائه می‌شود. «هری کمر این» سفیر فنلاند در ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار کتاب و ادبیات فارسی، ایران را دارای ادبیاتی غنی و شاعرپرور دانست و گفت: «ادبیات فارسی در تمام دنیا شهره است و ایرانیان شاعرپرور هستند از این‌رو تصمیم گرفتیم برای اولین‌بار به نمایشگاه تهران بیایم.

ناگهان شعر



۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۹ مردی از شمار بزرگان ادبیات ایران روی در نقاب خاک کشید. احمد گلچین معانی، مخلص به گلچین، فرزند علی اکبر از شاعران و پژوهشگران بزرگ معاصر به‌ویژه در حوزه سبک هندی است. وی در سال ۱۲۹۵ در تهران متولد شد. پس از پایان دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه به همکاری با روزنامه و مجله‌های کشور پرداخت و اشعار سیاسی و فکاهی خود را با نام‌های مستعار سیمرغ، سیف‌اف‌دتر، اشعر الممالک، شاعر باشی لجهاز، توچه، سارق دیوار در روزنامه‌های ایران منتشر کرد. در انجمن ادبی حکیم نظامی به مدیریت وحید دستگیری و انجمن ادبی فرهنگستان عضویت داشت و سال‌ها دبیر اول و رئیس دبیر خانه انجمن ادبی فرهنگستان بود. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۸ بعد از ظهر او در کتابخانه ملی ملک در تهران به کتابداری اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۸ به کتابخانه مجلس شورای ملی منتقل و در اسفند ۱۳۴۲ بازنشسته شد. از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۵ به سمت کارشناس امور کتابخانه‌ها و مشاور فرهنگی نیابت‌تولیت‌آستان قدس رضوی در مشهد به خدمت اشتغال داشت. یادگارهای او در شعر، پژوهش‌های ادبی و نسخه‌شناسی فراوان است و از آن جمله است: دیوان اشعار، گلزار معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی (دو جلد)، رساله تحقیقی گلشن راز، مکتب وقوع در شعر فارسی، شهر آشوب در شعر فارسی، رساله در احوال ابن‌بجیر، تذکره پیمانه، ذیلی بر تذکره میخانه، تصحیح و تکمیل تذکره میخانه عبدالنبی‌فخرالزانی قزوینی، کاروان هند، تصحیح لطائف الطوائف، شرح دیباچه انیس‌الارواح در موسیقی یا شواهد منظوم، اذهامی گنجینه قرآن، تصحیح لطایف الطوائف تالیف فخرالدین علی صفی بیهقی، فرهنگ اشعار صائب، تصحیح تذکره منظوم ریشه سرودهٔ محمد باقر رشع اصفهانی، تصحیح تاریخ ملازاده در ذکر مرزات بخارا، تصحیح تذکره میخانه تالیف مالمعابدالبی‌فخرالزمانی قزوینی، تصحیح کنوزالاسرار و معجز الاحرار، شرح منظوم سوانح‌فی العشق شیخ احمدغزالی، چندمجلد از فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی و رساله در بیان کاغذ و مرکب و رنگ‌های لوان

آشنایی در جهان غم کجا باشد مرا؟

ناله‌های دل نوا ی آشنا باشد مرا

روشنی در کار من همچو شب‌دیوچر نیست

تیره‌بختی ز ابتدا تا انتها باشد مرا

نیست جز آیین‌ه همچون طوطیم یک هم‌زبان

غیر از دل آری‌گ یک هم‌نوا باشد مرا

دست از آن رو بایدم شست از هزاران آرزو

کانه محرومی است در عالم، مرا باشد مرا

گرچه در هر‌های امد بار‌ها یم به سنگ

از جهالت همچنان سر در هوا باشد مرا

بکم آزاری چنین آزار گردون می‌کنم

وای اگر مور ضعیفی زیر پا باشد مرا

گر چو گل بخت شکنن باشدم در این چمن

این همه چون غنچه دلتنگی چرا باشد مرا

آید از کنج قناعت، کنج استغنا به دست

سیری چشم و دل از این کیمیا باشد مرا

از کدورت‌های عالم نیست رو گردان دلم

همچو آیین‌ه ز خاکستر جلا باشد مرا

با وجود عشق از دنیا و عقی‌فار غم

در دو عالم عشق باشد عشق، تا باشد مرا

ای که دائم تحفه غم می‌فرستی سوی من

غم کجا دور از دل در داشنا باشد مرا؟

تا نزاری بیش از این بر بیج و تاب زلف خویش

کاش می‌دید چه بیچ و تاب‌ها باشد مرا

پرده‌داری چیست «گلچین» کز سرشک پرده‌در

راز دل چون شمع محفل بر ملا باشد مرا

مراقب تویی ناله‌سحر نگذاشت

ولی دریغ که در ناله‌ام اثر نگذاشت

به غیر و صل‌توام حسرتی نبود و فلک

به غیر آن به دلم حسرتی نگذاشت

ز ناله‌های دلم نیست غم از آنکه تو را

دمی ز حال من خسته‌بخییر نگذاشت

به جور هم نگذنی‌یاد من غم‌زنا نیست

که بخت بد به من از دوست‌انتقدر نگذاشت

که‌ما پاره‌ان خواستم ز خوان فلک؟

که در کنار هم پاره‌یار هر نگذاشت؟

چنان اسیر به زندان تن شدیم «گلچین»

که بر من این قفس تنگ‌بال و پر نگذاشت

مهر روی تو، شب‌موی تو، گل‌بوی تو دارد

گلزار جهان خرمی از روی تو دارد

گردون که سرآبای و چودش همه چشم است

پیوسته‌نظر در خم‌ابروی تو دارد

مهربا شب‌افروز که ز هاله‌کنند زلف

خود سایه‌ای از خرمن‌گیسوی تو دارد

ترکس که نظر باز بود در صف گل‌ها

تا چشم‌تورا دیده‌نظر سوی تو دارد

با نکته‌ز زلف تو نسیم‌سخری را

تا ساقی این یزم تویی‌یاده گل‌رنک

این گرمی و لطف از اثر خوی تو دارد

گلچین که به شیرین سخنی شهره‌شهر است

لطف سخن از لعل سحنگوی تو دارد

نگهش سوی دگر بود و نگاهش کردم

دیده‌روشن به صفای رخ‌ماشش کردم

تا برمه‌ده‌دل آن گل خندان چونسیم

گاو و بیگا گذر بر سر راهش کردم

همچو آن تشنه‌گر اهش برزند موج‌سراب

اشیاء از نگه‌گاه به‌گاشش کردم

دیدش گرم سخن دوش‌چودر صحبت غیر

غیرتم کشت ولی خوب نگاهش کردم

دور از زلف پریشان دلم از بی‌ماقت

گرچه زندانی شب‌های سیاهش کردم

حاصل شمع و جودم همه‌اشک‌آمد او

و اقتدر سوختم از غم که تباهش کردم

مهریان گشت‌هم‌من به‌سرودی «گلچین»

تا نثار قدم این مهر گاهش کردم

با نگاهی به ادبیات «مکتب وقوع» و «طرز واسوخت»

پیشنادهایی برای سه قرن فراموش شده ادبیات فارسی

سعید رجایی بخارایی*

literature@khorasannews.com

بزرگان ادب فارسی معاصر، قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ شمسی را سه قرن خاموش ادبیات فارسی می‌انگارند و گاه با طعن و لعن، خاصه قرن دهم را بی ارزش و مطرودمی‌دانند و از آن گذشته‌اند. همچنان که درباره ریشه‌های شعر نوو ادبیات معاصر نیز این نظر داده‌شده است که می‌گویند شعر نو ترجمه از ادبیات غرب است و تنها دلیل به وجود آمدن شعر نو در ایران آن بوده است. در این مختصر، هدف این است که نگاهی دیگر به این دو موضوع مهم بیندازیم و نیز به این پیشنهاد ختم کنیم که وقت آن است تا به‌طور علمی و استنادی به وضعیت فرهنگی ایرانیا و نقش ادب فارسی در این سصد سال به‌طور اخص در قرن دهم، پرداخته شود.

من در این یادداشت تنها به ادبیات قرن دهم و «مکتب وقوع» و «طرز واسوخت» و «شعر تزییقی» می‌پردازم زیرا دامنهٔ این بحث بسیار وسیع است و به پژوهش‌های بسیاری نیاز دارد که در آن کندو کاو کنند. این کار با نگرش علمی توسط افرادی متخصص باید آغاز شود؛ مثل کتاب «صد سال عشق مجازی» در دکتر فتوحی که اخیراً چاپ شده است؛ چنین کارهایی قفل و بندرود به ادبیات دورهٔ صفویه را می‌شکنند. برای من پدیده‌های ادبی قرن دهم، یعنی مکتب وقوع و طرز واسوخت و شعر تزییقی، انقلاب‌های ادبی این قرن است که تأثیر آن بر قرون بعدی و حلقه‌های ادبی و شعری آن زمان تا کنون، مشهود و مؤثر بوده است.

ما همچنین به مطالعه بیشتر و تحقیق علمی و عمیق تری در مقولهٔ حلقه‌های نیاز داریم تا ریشه‌ها و علل این اعتراض عظیم و این دگر دیسی ادبی بررسی شود. قرن دهم و مکتب وقوع، شعر از آسمان به زمین می‌آید و استعاره که وجه شاخص و مهم شعری قرن قبل از آن است، از میان می‌رود. مفاهیم عرفانی و متافیزیکی غایب می‌شوند و شاهکار ها و قله‌های ادبی قرون قبل چون آثار سعدی و حافظ و مولانا و دیگران بسیار کاسته می‌شود و مفاهیم و معانی و سبک و شیوهٔ آنان الگوی شاعران قرن دهم نیست.

شعر وقوعی ساده، زمینی و مردمی می‌شود و موضوعات، همه درباره مسائل زمینی و روز مرهٔ آدمیان معمولی متمرکز می‌شود، همانطور که از اسمش پیداست، دربارهٔ آنچه وقوع پیدا می‌کند و واقع می‌شود، سخن می‌رود و شاهکار ادبیاتی به‌وجود نمی‌آید و مد نظر مهم نیست که به‌وجود بیاید. از دوهزار و دویست و اندی شاعر وقوعی ذکر شده در تذکره‌ها در قرن دهم، هیچ‌نام بر جسته و اثر فوق العاده‌ای باقی نمی‌ماند. شاعرانی چون لسانی شیرازی، با باغانی و محتشم کاشانی و… حافظ و مولانا نشندند نمی‌خواستند همه که بشوند.

در طرز واسوخت نیز اتفاقی رخ می‌دهد که در قرون قبل ر ده‌هوشاید بتوان گفت

که در ادبیات فارسی قبل از این دوره، چندان نمود خارجی ندارد و اولین باری

است که ارزش و مقام والای معشوق به تمامی از بین می‌رود و در عوض عاشق

در برابر معشوق بی‌وقا به خشم می‌آید و عتاب و سرزنش و نبرض معشوق، جای

هجر و ناله و… می‌آید. گیر.

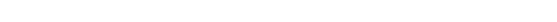
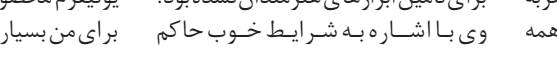
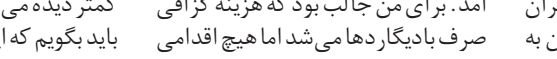
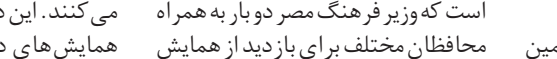
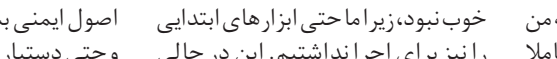
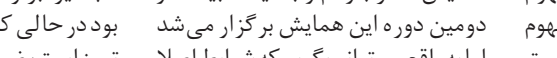
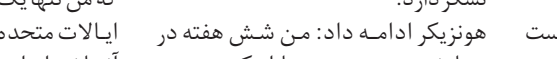
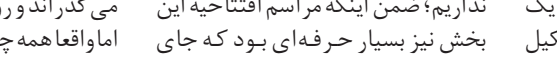
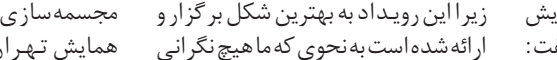
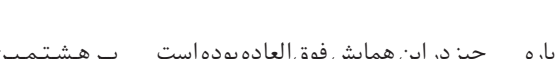
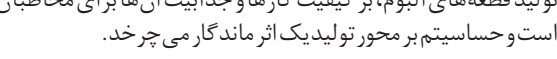
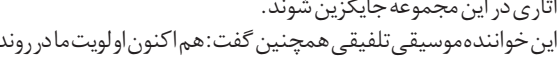
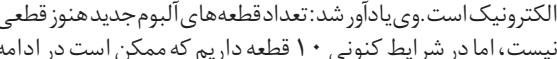
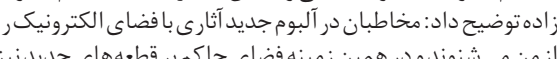
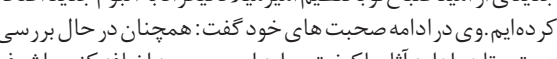
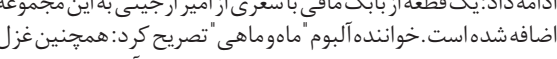
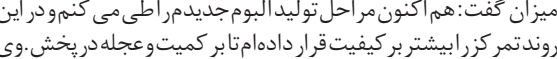
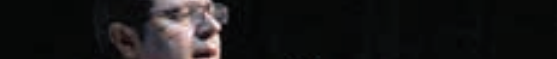
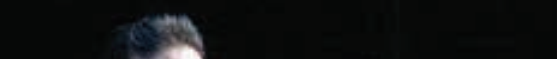
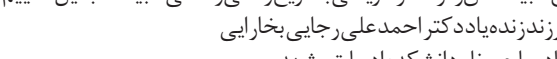
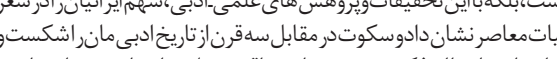
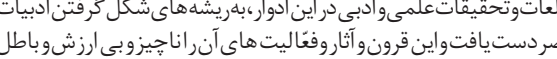
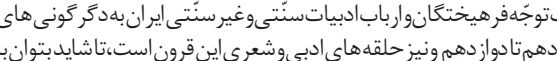
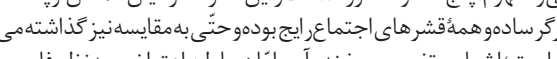
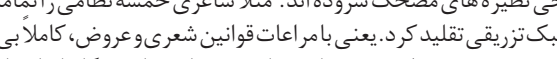
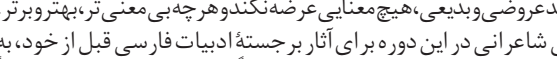
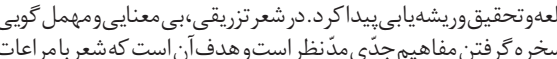
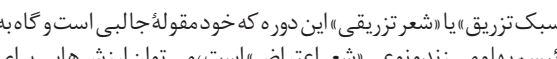
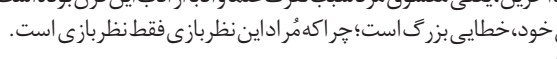
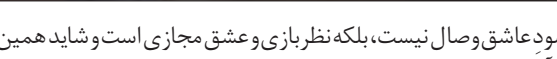
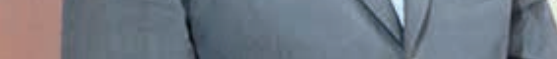
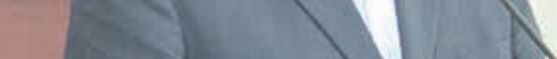
استعاره که عامل تمایز شاعران و عنصر شخصی سازی زبان آنهاست، در شعر

وقوع غایب می‌شود و ما در این قرن در «اشعار وقوعی» و «طرز واسوخت»، نشانی

از حضور آن نمی‌بینیم و قول دکتر فتوحی «چهار صد شاعر بر تر وقوعی در این

دوره تبدیل به یک شاعر می‌شوند؛ هم در موضوعات و هم یکسان در بلاغت».

شاهنامه فردوسی با طراحی یک فنلاندی ترجمه‌شد



در مراسم رونمایی از رمان «شاه‌کشی» مطرح شد

رجعت نسل سوم انقلاب به تاریخ و کشف هویت

اکبری دیزگاه در مراسم رونمایی از رمان «شاه‌کشی» گفت: موقع نوشتن دوست ندارم مثل خیلی از افراد فکر کنم. مثل خودم هستم و اگر قرار بود چیزی غیر از این باشم نویسنده نمی‌شدم.

به گزارش خبرنگار مهر، در مراسمی در خبرگزاری مهر و با حضور جمعی از نویسندگان و اهالی فرهنگ، رمان‌های «شاه‌کشی» نوشته ابراهیم اکبری دیزگاه و «بی‌کتابی» نوشته محمدرضا رفی‌خوشان، به عنوان دو اثر تازه منتشر شده در موسسه فرهنگی شهرستان ادب، رونمایی و معرفی شد. در بخشی از این نشست که به‌منظور معرفی رمان «شاه‌کشی» برگزار شد، ابراهیم اکبری دیزگاه در سخنانی عنوان کرد: شاه‌کشی را قبل از «برکت نوشتن» اما بخش برای انتشار بعد از انتشار برکت باز شد. وی در ادامه گفت: به‌باور من داستان نوشتن از انقلاب یعنی توجه کردن به سه‌برهه از تاریخ معاصر ایران و پنج‌اقعه مهم که از